



۲۰۱۹/۰۶/۱۱



صلاح الدین سعیدی

رهایی زندانیان - عدالت و ما!



عدالت نسبی است و در دنیای ما عدالت مطلق وجود ندارد!

آنهایی که اقارب و جگرگوشه های خویش را در انفجار، و انتحار کور و کر ضد اسلامی و ضد انسانی از دست داده اند ایشان را به مشکل میتوان قناعت داد تا رهایی، شفقت ولو عدالت نسبی را در حق کسانی قبول کنند که به نحوی نام شان و یا نام گذاشته شده به ایشان سبب شهادت و یا معیوبیت جگر گوشه های شان شده و این قهر و غصه قابل فهم هم است.

در تحقیق و بررسی قضایا در مورد هر قضیه دهها احتمال طریق وقوع تخلف و انگیزه وقوع تخلف، جرم و مشکوک و یا متخلف متعدد مطرح شده می تواند و ممکن است.

مستتق با داشتن دوسیه مربوطه و تحقیق حتی در صورت اقرار (ممکن به خاطر تذکیه) به تخلف و جرم اتمام حجت می کند و با تحقیق به تدریج الترناتیف و انگیزه های ممکن و فاعلین ممکن را نفیه کرده و به یک یا دو شخص مشکوک، متهم و متخلف می رسد. علیه مشکوک و متهم با در نظر داشت شواهد بدست آمده نزد قضاء و قاضی اتهام ابلاغ و اقامه دعوی می کند.

در تاریخ قضا، قضاوت و عدالت در طول تاریخ باوجود بخشی از دلایل و شواهد عینی و مادی حالاتی وجود دارند که شخص بی گناه را متخلف گفته محکوم کرده اند و در یافتن متخلف و مجرم خطاء های هم صورت گرفته، بر علاوه که عدالت تأمین نشده، بی عدالتی هم صورت گرفته.

موارد تأسف و تأثر بر قربانی ناحق به خاطر اجرای جزاء و در موارد جزاء های غیر قابل تصحیح و ناوقت شده. جزاء های داده شده که مثلاً ناحق و به صورت غلط جزاء به انسان بی گناه با قطع مثلاً دست و سر قطع و حبس سپری شده که بعداً ثابت شده که وی مجرم نبود و مجرم کس و شخص ثالث است، در تاریخ عدالت در جهان وجود دارند.

صدور حکم عادلانه در قضایای انفرادی در میدیا، فیسبوک و تلویزیون بدون داشتن دوسیه کامل مربوطه و بدون داشتن جزئیات هر قضیه به صورت جداگانه، سخت دشوار و حتی در مواردی ناممکن و غیر عادلانه و در موارد زیاد همراه با پیشداوری ها بوده می تواند و است.

تحلیل سیاسی و قضاوت ها ولو با نیت پاک خدمت حق و ادای رسالت در برابر خواننده بر بنیاد و متکی به معلومات دست داشته مطبوعاتی بر بنیاد تسلسل منطقی معلومات دست داشته میدیایی و اینکه ازین و یا آن قضیه که منفعت می برد به نتیجه گیری های معین می رسیم که در صورت جدی بودن باید به مستندات دیگر مراجعه شود و اتهام به صورت جدی و رفتن به سائر مستندات تحقیق شود.

مسایلی اند سخت قابل توجه و دقت!

شهادت قوماندان بند سلما شهید اندرابی به نفع و خواست کیست و چه منابع از آن منفعت می برند؟ جواب منطقی و مطابق تهدیدات حکومتی و رسمی های ایران در مخالفت به اداره و منجمت آب افغانستان، توسط افغان ها و با در نظر داشت تجارب گذشته، جواب واضح همین میدهد که منابع و نوکران ایران در شهادت این قوماندان علاقمندند و در مطابقت به برنامه های شان است که این عمل و اعمال مشابه صورت می گیرند. اما این تسلسل منطقی دیگر امکانات را رد و یا منتفی کرده نمی تواند. اینکه این شهادت به طور کلاسیک صورت می گیرد و یا به نحو پیچیده و به شکلی که رد پای ایرانی را گم کند، موضوع تحقیق و تجسس بیشتر است که مراجع تحقیق و استخباراتی باید آنرا جستجو کنند.

و اما رهایی زندانیان و رئیس جمهور کشور:

اولاً کسانی که جزای حبس شان دارد در حال تکمیل شدن است و یا کسانی که مدت حبس شان پوره شده و به گمان اینکه خطرناک اند، شیخ فانی و یا مریض اند، باقی ماندن شان در زندان درست است و یا خیر؟ این وجبیه مراجع عدلی و قضایی نیست که درین موارد دقت و تطبیق قانون کنند؟ مسلماً که بلی. درین صورت مفهوم و استعمال کلمه رهایی دقیق نیست.

این تصامیم رئیس جمهور قرار معلومات شامل حال کسانی هم است که از شش ماه تا ۴ سال محکوم به زندان اند. ما میدانیم که چنین اشخاص نه قاتل و نه جنایتکارند، چه قاتل و جنایتکار به جزاء های بالاتر محکوم اند.

از جانب دیگر رئیس جمهور کشور مطابق قانون در آغاز پروسه اجراءات جزایی، در جریان آن، بعد از صدور حکم و یا بعد از سپری شدن بخشی از تطبیق جزاء، با ذکر دلایل و بدون ذکر دلایل صلاحیت دارد که شخص و یا اشخاص را مورد عفو و شفقت قرار دهد.

بلی حریت و آزادی نعمت و حق هر انسان است. آزادی هیچ کس را نمی توان بدون حکم محکمه سلب کرد و یا بدون مجوز قانونی در زندان و توقیف نگه داشت! نگه داشتن افراد بدون مدت زمان مجوز قانون بدون سرنوشت و سر درگمی لکه ننگ بر عدالت و انسانیت است. متخلف است، اقامه دعوی و مستحق اعدام است، اعدام. اما بدون سرنوشت با پیشداوری ها به خاطر زبان، سمت و دین در توقیف فرزندان نگه داشته حرام، غیر انسانی و قابل قبول نیست. اگر محکمه جزای تعیین کرد و جزا سپری شد، نمی توان کسی را بخاطر خطرناک بودن در آینده از همین حال مورد پیگرد قرار داد. این انسانی نیست!

از تخلف و جنایت تعدیب، تحقیر، سوء استفاده از موقف دولتی در حق هر کس، در حق زندانی و وجود زندان های غیر مشروع داخلی ها و خارجی ها در کشور ما را اصلاً نمی توان برایش هیچگاه کدام مبرر و مجوز یافت.

از احیای و وجود دهها زندان خارجی ها در کشور ما اصلاً میتوان و صرف مانند لکه ننگ و عار برای حاکمیت های افغانی و خارجی یاد آوری کرد. وجود چنین زندان های مخوف در پنجشیر، بگرام و سایر نقاط دیگر کشور بر کس و یا پوشیده نیست!

هیچ کس را نمی توان بعد از سپری شدن حبس معینه در زندان نگه داشت! مسؤولین زندان ها، قضات و خائوالی، مراجع دست اول کشور و رئیس جمهور کشور مکلف به حمایت از افغان ها و حقوق اتباع (حقوق و وجایب) ایشان است!

مسؤولین زندان ها و توقیفگاه های قانونی کشور در محلات و اماکن رسمی وجود داشته و باید به صورت دوامدار با کنترل داخلی و خارجی از آن توسط مراجع عدلی و قضایی نظارت شود تا کس در آن حتی یک لحظه هم بدون مجوز شود.

در جهان و افغانستان کسی به خاطر اینکه در آینده ممکن جنایت و تخلف کند به زندان نگه داری شده نمی تواند و این توهین است به عدالت و انسانیت تا کسی را به خاطر زبان، سمت، لباس، چهره ظاهری و اعتقاداتش بدون عمل جرمی به توقیف و زندان نگه داشت و یا آزادی اش را سلب کرد! چنین تخلفات و اعمال ننگین در کشور ما در دو دهه اخیر چه که در چندین دهه اخیر وجود داشته و دارند!

بلی زندانی و محبوسی که مدت حبسش را سپری کرد باید از حبس رها شود و این حق وی و امر قانون است. مدت سال زندان با مدت سال عادی متفاوت است. از مدت سال زندانی، روزهای رخصتی های منفی شده و در تمام جهان مطابق به قانون محبوس با سپری کردن نصف زندان به استثنای چند مورد خاص با سپری کردن پروسیجر های خاص از زندان به تضمین رها شده می تواند! چنین اشخاص از طرف شخص اول کشور مورد عفو و یا تحت شرایط خاص به حاضری دهی هر روزه از زندان و چنگال قوی قانون و مراجع امنیتی رها می شود. مسأله شیخ فانی، مریض و صغار نیز مورد شفقت قرار گرفته می توانند!

چنانچه گفته آمدیم آنهایی که مدت کم حبس شان باقی مانده و بعد از مدت کم باید رها شوند، به منظور اصلاح، تربیت و اهداف خیر چند روز قبل از مدت زمان رها شده، مورد شفقت رئیس جمهور کشور قرار گیرند گرفته می توانند که یک امر معمول است! تجاوز و تهمت های غیر مسلکی و جاهلانه درین خصوص غیر قابل قبول اند.

در هیچ یک از موارد فوق که جزئیات متعدد نظر به کیس های مختلف دارند، کس تضمین کرده نمی تواند که ازین شفقت حتماً و حتماً در تمام موارد استفاده مثبت خواهد شد و یا مورد سوء استفاده و شرارت بیشتر قرار نخواهد گرفت. در مورد هیچ تضمینی وجود داشته نمی تواند و نیست!

و اما در مورد کیس و قضیه ما که اخیراً رئیس جمهور عده ای از افراد توقیف شده و یا محبوسی که مدت حبس شان از شش ماه تا ۴ سال بوده و عده زیاد شان مدت زیاد حبس خویش را سپری کرده اند و بعضی شان تا تعداد ۹۰۰ تن رها می شود و ما بدون داشتن جزئیات این قضایا از کلمات رکیک و غیر مناسب و غیر قانونی، غیر مسؤولانه اظهار بداریم، اولاً نادرست، پیشداوری، بحث غیر مسلکی و روش نادرست است.

بار دیگر تأکید داریم که مدت حبس از ۶ ماه تا ۴ سال شامل جزاء های کسانی نمی گردد که جرایم بزرگ را مرتکب شده باشند.

قاتل و مجری جرم کلان با در نظر داشت مدت جزائی الی چهار سال بیشتر است و شامل حال ما نیست. علاوه بر آن در مواردی ازین حد اکثر ۴ سال مدت از حبس شان نیز سپری شوه که به صورت انفرادی باید مورد بررسی قرار گیرد.

تبلیغات علیه حاکمیت و رئیس جمهور غنی به این مناسبت کردن که «این تروریست ها را رها میکند، جنایت کاران را رها میکند و تضمین وجود ندارد که واپس جنایت خواهند کرد و یا نه؟» در مواردی هم استدلال احمقانه و غیر انسانی بیش نیست و چنین عام سازی ها قابل قبول نمی باشند.

بر رئیس جمهور و سیستم عدلی نظام است تا بر بنیاد مکلفیت های خویش از وجود غیر قانونی افغانان در محابس قانونی و غیر قانونی در داخل و خارج از افغانستان نظارت عملی کنند.

به این ترتیب چنانچه گفته آمدیم به این تدبیب درست است که از افراد محبوس در افغانستان که از مدت زندان شان مدت کمتر باقی مانده است اخیراً به فرمان رئیس جمهور چیزی کم تر از نه صد تن رها میشوند که ایشان شامل این کتگوری های فوق بوده و ممکن در موارد اصولاً تمام شرایط عام مراعات نشود، اما چون مدت حد اکثر جزای شان ۴ سال است،

لذا تبلیغات علیه این رهایی زندانیان غیر متناسب و انگیزه های دیگر غیر از عدالت دارد و مردود است.

و ما علینا الا البلاغ المبین

